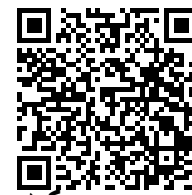




## تحلیل نقش اقامه نماز در تحقق نظام دینی مطلوب، تقویت تاب آوری اجتماعی و پایداری حیات سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام شهید

فاطمه زنگنه

سطح ۳ حوزه رشته فقه و اصول



حکیده  
MDOI\*02-2026.0311  
MNR-325-2-0DD255

در هندسه فکری و گفتمان سیاسی حضرت آیت الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه، «نماز» تنها یک فریضه فردی و عبادی نیست، بلکه هسته اصلی و پیشران تحقق یک نظام دینی تمدن ساز و کارآمد محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف تحلیل و تبیین نقش اقامه نماز در فرآیند تحقق نظام دینی مطلوب، تقویت تاب‌آوری اجتماعی و پایداری حیات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. پرسش اصلی پژوهش این است که بر اساس اندیشه سیاسی و تربیتی حضرت آیت الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه، اقامه نماز چگونه می‌تواند به سازوکارهای پایداری و تاب‌آوری در برابر تهدیدات نرم و سخت در جامعه اسلامی کمک کند؟ روش تحقیق در این مطالعه از نوع «توصیفی-تحلیلی» و با استفاده از رویکرد اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه، نماز به عنوان «ستون دین»، کارکردی استراتژیک در سه لایه دارد: نخست در لایه فردی، از طریق تزکیه نفس و اصلاح اخلاق، مؤمنان را به شهروندانی مسئول و پایدار در برابر ناملایمات تبدیل می‌کند؛ دوم در لایه اجتماعی، با ایجاد «وحدت و همبستگی» ناشی از جماعت و جمع، موجب تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش تاب‌آوری جمعی در مقابل بحران‌ها می‌شود؛ و سوم در لایه کلان سیاسی، اقامه نماز به مثابه الگویی برای «حکمرانی دینی» عمل کرده و با پیوند زدن مردم به ارزش‌های الهی، مانع از انحراف نظام از مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی شده و استمرار و پایداری حیات سیاسی نظام را تضمین می‌کند. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که ترویج و تعمیق فرهنگ نماز نه فقط یک فعالیت فرهنگی، بلکه یک ضرورت امنیتی ملی و راهبردی برای حفظ انسجام درونی، مقابله با جنگ نرم دشمنان و تحقق تمدن نوین اسلامی است. در این چارچوب، نماز به عنوان نقطه عزیمت اصلاحات اجتماعی و سیاسی در جمهوری اسلامی تعریف شده و ضامن بقای مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی نظام تلقی می‌گردد. این پژوهش پیشنهاد می‌دهد که نهادهای آموزشی، رسانه‌ها و دستگاه‌های حکمرانی باید با رویکردی سیستمی، نماز را به مثابه یک «پروژه اجتماعی-سیاسی» در جامعه نهادینه سازند تا اثرات آن بر تاب‌آوری و پایداری حیات سیاسی کشور ملموس گردد.

کلیدواژه‌ها: اقامه نماز، نظام دینی مطلوب، تاب‌آوری اجتماعی، پایداری سیاسی، جمهوری اسلامی ایران، اندیشه آیت الله خامنه‌ای، حکمرانی دینی، سرمایه اجتماعی.

## مقدمه

در جوامع دینی، برخی مفاهیم و مناسک عبادی فراتر از کارکرد فردی و مناسکی خود، به عناصر بنیادین در ساخت هویت جمعی، حفظ انسجام اجتماعی و تثبیت نظم سیاسی و فرهنگی تبدیل می‌شوند. در این میان، «نماز» در اندیشه اسلامی جایگاهی ممتاز دارد؛ زیرا نه فقط به عنوان یک فریضه شرعی و یک رفتار عبادی، بلکه به منزله یکی از بنیادی‌ترین سازوکارهای تربیت انسان، اصلاح مناسبات اجتماعی و جهت‌دهی به حیات سیاسی و تمدنی جامعه مسلمان مطرح است. در منطق اسلام، نماز صرفاً مجموعه‌ای از اذکار و افعال بدنی نیست، بلکه تجلی پیوند آگاهانه انسان با خداوند، بازسازی مستمر هویت توحیدی و ابزاری برای مراقبت دائم از جهت‌گیری معنوی فرد و جامعه به شمار می‌رود. از همین رو، در سنت نظری و عملی اسلام، نماز همواره در کانون حیات دینی قرار داشته و اقامه آن، نه تنها شرطی برای تعالی فردی، بلکه معیاری برای سلامت اجتماعی و استحکام نظام اسلامی قلمداد شده است (مطهری، ۱۳۸۸).

در بستر انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری جمهوری اسلامی، بازخوانی نقش نماز از سطح عبادت فردی به سطح سازوکار تمدنی و نهادی، اهمیت دوچندان یافته است. انقلاب اسلامی از آغاز، صرفاً یک تحول سیاسی برای جابه‌جایی قدرت نبود، بلکه تلاشی بنیادین برای استقرار نظامی جدید بر پایه ایمان، عدالت، معنویت، کرامت انسانی و حاکمیت ارزش‌های الهی محسوب می‌شد. بر این اساس، بقای چنین نظامی نیز نمی‌تواند تنها به سازوکارهای حقوقی، اداری و امنیتی وابسته باشد، بلکه نیازمند بازتولید مستمر ارزش‌های دینی، هنجارهای اخلاقی، پیوندهای اجتماعی و روحیه مسئولیت‌پذیری عمومی است. در چنین چارچوبی، نماز به مثابه یکی از مهم‌ترین نهادهای معنوی و فرهنگی، ظرفیتی کم‌نظیر برای پیوند زدن فرد، جامعه و نظام سیاسی با مبانی توحیدی و آرمان‌های انقلاب اسلامی در اختیار قرار می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه در این زمینه، واجد اهمیتی ویژه است؛ زیرا در منظومه فکری ایشان، نماز صرفاً به عنوان یک واجب فردی مورد توجه قرار نگرفته، بلکه به صورت مستمر و نظام‌مند به عنوان رکن انسان‌سازی، جامعه‌پردازی و نظام‌سازی مورد تبیین قرار گرفته است. ایشان در بیانات مختلف، اقامه نماز را یکی از پایه‌های اصلی صیانت از هویت اسلامی جامعه، تعمیق معنویت عمومی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، حفظ جهت‌گیری انقلابی و مقابله با فرسایش فرهنگی و اخلاقی دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰). این نگاه نشان می‌دهد که نماز در اندیشه ایشان، صرفاً موضوعی فقهی یا توصیه‌ای اخلاقی نیست، بلکه یک مسئله راهبردی در حوزه حکمرانی دینی، سیاست‌گذاری فرهنگی و پایداری اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود. بنابراین، تحلیل نقش نماز در تحقق نظام دینی مطلوب و پایداری جمهوری اسلامی ایران، بدون توجه به این چارچوب نظری، تحلیلی ناتمام خواهد بود.

اهمیت این موضوع هنگامی روشن‌تر می‌شود که جامعه معاصر ایران در معرض طیفی از چالش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار دارد؛ چالش‌هایی که می‌توانند انسجام جمعی، اعتماد اجتماعی، معنای مشترک و روحیه مقاومت را با آسیب مواجه سازند. فرایند جهانی‌شدن، گسترش فردگرایی، تضعیف برخی پیوندهای سنتی، تغییرات نسلی، تحولات رسانه‌ای، جنگ شناختی و فشارهای خارجی، از جمله عواملی هستند که ظرفیت‌های فرهنگی و هویتی جامعه را در معرض آزمون قرار



می‌دهند. در چنین وضعیتی، یکی از پرسش‌های مهم این است که چه عواملی می‌توانند تاب‌آوری اجتماعی را تقویت کرده و زمینه پایداری حیات سیاسی و اجتماعی یک نظام دینی را فراهم آورند. پاسخ به این پرسش، مستلزم توجه به منابع نرم قدرت، سرمایه‌های معنوی و نهادهای هویت‌ساز جامعه است. نماز را می‌توان یکی از مهم‌ترین این منابع دانست که هم‌زمان در ساحت فردی، اجتماعی و سیاسی اثرگذار است (پاتنام، ۱۳۸۰).

تاب‌آوری اجتماعی در ادبیات معاصر علوم اجتماعی، به توان یک جامعه برای مواجهه مؤثر با بحران‌ها، فشارها، تهدیدها و تحولات مخرب و نیز حفظ انسجام، هویت و توان بازسازی خود اطلاق می‌شود. این مفهوم در سال‌های اخیر، از حوزه روان‌شناسی فردی فراتر رفته و به یکی از کلیواژه‌های مهم در مطالعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تبدیل شده است. پژوهشگران معتقدند جوامعی که از سرمایه اجتماعی بالا، اعتماد متقابل، هنجارهای مشترک، معاف‌های وحدت‌بخش و شبکه‌های حمایت اجتماعی برخوردارند، در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر عمل می‌کنند و کمتر دچار فروپاشی هویتی و ارزشی می‌شوند (نورنیس و همکاران، ۲۰۰۸). در این میان، دین و مناسک دینی می‌توانند در شکل‌گیری چنین ظرفیتی نقش اساسی ایفا کنند، زیرا با تولید معنا، تقویت امید، تنظیم اخلاق عمومی و ایجاد احساس تعلق جمعی، بستر لازم را برای مقاومت و بازسازی اجتماعی فراهم می‌سازند.

در جامعه اسلامی، نماز به عنوان فراگیرترین و مستمرترین عبادت روزانه، واجد ظرفیتی ممتاز در تولید و تقویت تاب‌آوری اجتماعی است. نماز از یک سو از طریق یادآوری دائمی حضور خداوند، آرامش روانی، امید، صبر، خودمهارگری و احساس مسئولیت را در فرد تقویت می‌کند، و از سوی دیگر، در اشکال جمعی خود چون نماز جماعت و نماز جمعه، زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی، ارتباط چهره به چهره، وحدت نمادین و مشارکت اجتماعی می‌شود. از این منظر، نماز نه تنها بر سلامت معنوی و اخلاقی فرد اثرگذار است، بلکه می‌تواند در سطح کلان‌تر، به بازتولید سرمایه اجتماعی، اعتماد فرهنگی و آمادگی جامعه برای عبور از بحران‌ها کمک کند. این همان نقطه‌ای است که نماز را از یک کنش صرفاً عبادی به یک نهاد اجتماعی و سیاسی مؤثر تبدیل می‌سازد (دورکیم، ۱۳۸۳).

در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه، این ظرفیت اجتماعی و تمدنی نماز به روشنی مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان با طرح مفهوم «اقامه نماز»، بر تفاوت میان خواندن فردی نماز و نهادینه‌سازی فرهنگ نماز در زندگی فردی و جمعی تأکید می‌کنند. اقامه نماز از این منظر به معنای آن است که نماز در متن جامعه حضور فعال و سامان‌بخش داشته باشد، بر خلیقات عمومی اثر بگذارد، روابط انسانی را اصلاح کند، روح مسئولیت‌پذیری و تعهد را افزایش دهد و انسان‌هایی مقاوم، مؤمن، منضبط و آرمان‌خواه تربیت نماید (خامنه‌ای، ۱۳۹۴). چنین برداشتی از نماز، آن را به یکی از مؤلفه‌های کلیدی در مهندسی فرهنگی و اجتماعی نظام اسلامی تبدیل می‌کند؛ مؤلفه‌ای که می‌تواند نسبت مستقیمی با پایداری نظم سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

نظام دینی مطلوب، در این مقاله، به نظامی اطلاق می‌شود که در آن نه تنها ساختارها و قوانین، بلکه فرهنگ عمومی، الگوهای رفتاری، نوع رابطه حاکمیت و مردم، و افق‌های تربیتی جامعه با ارزش‌های الهی و اسلامی هماهنگ باشد. در چنین نظامی، مشروعیت سیاسی صرفاً از فرایندهای رسمی یا سازوکارهای حقوقی ناشی نمی‌شود، بلکه به میزان درونی‌سازی ارزش‌های دینی، حفظ عدالت، گسترش معنویت و استمرار پیوند مردم با هویت دینی نیز وابسته است. هرگاه این پیوند تضعیف شود، زمینه

برای بروز شکاف های هویتی، کاهش اعتماد، فرسایش سرمایه اجتماعی و آسیب پذیری در برابر تهدیدهای نرم افزایش می یابد. بنابراین، یکی از شرایط اساسی تحقق و بقای نظام دینی مطلوب، تقویت نهادها و فرایندهایی است که ارزش های دینی را از سطح شعار به سطح زیست اجتماعی منتقل می کنند. نماز در این میان، یکی از مهم ترین این نهادهاست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱).

یکی از ابعاد مهم مسئله، نسبت میان نماز و «سرمایه اجتماعی» است. سرمایه اجتماعی به مجموعه ای از روابط، اعتمادها، هنجارها و شبکه های تعاملی اطلاق می شود که امکان همکاری اجتماعی و کنش جمعی را فراهم می سازد. بسیاری از نظریه پردازان علوم اجتماعی بر این باورند که جوامع برخوردار از سرمایه اجتماعی بالا، از نظر توسعه، امنیت، ثبات و مشارکت سیاسی در وضعیت بهتری قرار دارند (فوکویاما، ۱۳۸۵). در جامعه دینی، نماز جماعت، حضور در مسجد، شرکت در آیین های عبادی و شکل گیری ارتباطات انسانی بر محور ایمان، از جمله مهم ترین بسترهای تولید سرمایه اجتماعی اند. این فضاها ضمن تقویت اعتماد و همبستگی، نوعی اخلاق مشارکتی و احساس مسئولیت مشترک نسبت به سرنوشت جامعه ایجاد می کنند. از این رو، می توان گفت که اقامه نماز، علاوه بر اثرات معنوی، ظرفیت بالایی در شکل دهی به سرمایه اجتماعی دینی و به تبع آن، افزایش تاب آوری و پایداری جامعه دارد.

همچنین باید به این نکته توجه داشت که حیات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، از ابتدا در معرض تقابل های متنوع ایدئولوژیک، فرهنگی، رسانه ای و امنیتی قرار داشته است. استمرار این نظام در چنین شرایطی، نه فقط محصول قدرت سخت و سازوکارهای نهادی، بلکه متکی بر سرمایه عظیم فرهنگی و اعتقادی مردم بوده است.

هر اندازه این پشتوانه فرهنگی و معنوی تقویت شود، توان نظام برای عبور از بحران ها و بازتولید مشروعیت اجتماعی بیشتر خواهد بود. در مقابل، هرگونه فاصله گرفتن جامعه از منابع معنابخش و هویت ساز، می تواند آسیب پذیری اجتماعی و سیاسی را افزایش دهد. در این میان، نماز به عنوان یکی از اصلی ترین مصادیق پیوند مستمر مردم با خدا، دین، مسجد، جماعت و آرمان های اسلامی، نقشی تعیین کننده در حفظ این پشتوانه ایفا می کند (خامنه ای، ۱۳۸۹).

مطالعات موجود در حوزه دین و جامعه نیز نشان داده اند که مناسک دینی هنگامی که از سطح عادت فردی فراتر رفته و به تجربه ای اجتماعی و آگاهانه تبدیل می شوند، می توانند در کاهش آسیب های اجتماعی، افزایش همبستگی، تقویت نظم اخلاقی و ارتقای احساس تعلق جمعی مؤثر باشند. هرچند بخش مهمی از این پژوهش ها در بسترهای فرهنگی و دینی مختلف صورت گرفته اند، اما نتایج آنها نشان می دهد که معنویت و کنش های منظم دینی، از طریق شکل دهی به هویت، نظم درونی و شبکه های پیونددهنده، از مهم ترین عوامل پایداری جوامع محسوب می شوند. با این حال، در زمینه تحلیل مستقیم پیوند میان «اقامه نماز» و «تاب آوری اجتماعی» در چارچوب اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای رضوان الله تعالی علیه، هنوز خلأ قابل توجهی در ادبیات پژوهش دیده می شود. بسیاری از مطالعات موجود، یا به کارکردهای فردی نماز پرداخته اند، یا نقش عمومی دین در انسجام اجتماعی را بررسی کرده اند، اما کمتر کوشیده اند این مفاهیم را در یک مدل تحلیلی منسجم و با تمرکز بر اندیشه رهبری جمهوری اسلامی به هم پیوند دهند.



مسئله اصلی این پژوهش نیز دقیقاً از همین خلأ ناشی می‌شود. پرسش محوری آن است که اقامه نماز در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه، چگونه و از چه مسیرهایی می‌تواند به تحقق نظام دینی مطلوب، تقویت تاب‌آوری اجتماعی و پایداری حیات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران کمک کند؟ در ذیل این پرسش، چند پرسش فرعی نیز قابل طرح است: نخست آنکه نماز در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه چه جایگاهی در فرایند انسان‌سازی، جامعه‌پردازی و نظام‌سازی دارد؟ دوم آنکه چه پیوندی میان کارکردهای اخلاقی و معنوی نماز با مؤلفه‌های جامعه‌شناختی تاب‌آوری اجتماعی برقرار است؟ سوم آنکه چگونه می‌توان از اقامه نماز به عنوان یک ظرفیت نرم برای تقویت مشروعیت، انسجام و تداوم حیات سیاسی نظام اسلامی یاد کرد؟ طرح این پرسش‌ها نشان می‌دهد که موضوع پژوهش حاضر نه صرفاً ناظر به یک بحث عبادی، بلکه مرتبط با یکی از مسائل بنیادین حکمرانی دینی و پایداری اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران است.

ضرورت انجام چنین پژوهشی از چند جهت قابل تبیین است. نخست، از منظر نظری، این پژوهش می‌تواند به غنای ادبیات میان‌رشته‌ای در حوزه دین، جامعه، سیاست و تعلیم و تربیت کمک کند و از طریق پیوند مفاهیم دینی با چارچوب‌های نوین علوم اجتماعی، تحلیلی عمیق‌تر از ظرفیت‌های تمدنی نماز ارائه دهد. دوم، از منظر کاربردی، یافته‌های پژوهش می‌تواند برای نهادهای فرهنگی، آموزشی، تربیتی، رسانه‌ای و سیاست‌گذار در جمهوری اسلامی ایران سودمند باشد؛

زیرا روشن می‌سازد که ترویج نماز اگر به‌درستی فهم و اجرا شود، صرفاً یک اقدام شعاری یا مناسکی نیست، بلکه می‌تواند بخشی از راهبرد کلان تقویت انسجام ملی، مصون‌سازی فرهنگی و افزایش تاب‌آوری جامعه باشد. سوم، از منظر بومی‌سازی دانش، این پژوهش می‌کوشد به جای اتکای صرف به مفاهیم وارداتی، از دل منظومه فکری اندیشمندان انقلاب اسلامی، مدلی برای فهم پایداری اجتماعی و سیاسی در جامعه دینی استخراج کند.

از حیث روش‌شناختی، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و بر اساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام می‌شود. در این چارچوب، بیانات، آثار و رهنمودهای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه درباره نماز، جامعه اسلامی، معنویت، مقاومت، هویت دینی و پایداری نظام، به عنوان منابع اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین برای تکمیل چارچوب نظری و تحلیلی، از منابع معتبر فارسی و خارجی در حوزه‌های جامعه‌شناسی دین، علوم سیاسی، مطالعات تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه اجتماعی استفاده می‌شود. مزیت این روش آن است که امکان بازخوانی منسجم مفاهیم، استخراج مضامین اصلی، تحلیل روابط میان متغیرها و صورت‌بندی نظری مسئله را فراهم می‌سازد. از آنجا که موضوع پژوهش ماهیتی مفهومی، تفسیری و میان‌رشته‌ای دارد، روش کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی مناسب‌ترین ابزار برای دستیابی به اهداف تحقیق به شمار می‌رود.

بر این اساس، فرض بنیادی مقاله آن است که اقامه نماز در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه، واجد کارکردهایی چندسطحی است که از خودسازی فردی آغاز می‌شود، به انسجام و سرمایه اجتماعی در سطح جامعه می‌رسد و در نهایت، به تقویت مشروعیت، مقاومت و پایداری نظام سیاسی دینی منتهی می‌گردد. نماز در این نگرش، حلقه اتصال میان ایمان فردی و حیات جمعی است؛ حلقه‌ای که اگر به‌درستی فهم، ترویج و نهادینه شود، می‌تواند در برابر بسیاری از بحران‌های فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی، نقش سپر نرم و سازنده ایفا کند. در مقابل، هرگونه تقلیل نماز به یک عمل صرفاً تشریفاتی یا

فردی، ظرفیت عظیم تمدنی و اجتماعی آن را نادیده می‌گیرد و جامعه را از یکی از مهم‌ترین منابع درونی خود برای بازسازی و پایداری محروم می‌سازد.

در نتیجه، مقاله حاضر می‌کوشد با تمرکز بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه، نشان دهد که نماز در جمهوری اسلامی ایران فقط یک الزام دینی برای افراد نیست، بلکه یک منبع راهبردی برای حفظ هویت، تقویت تاب‌آوری اجتماعی و استمرار حیات سیاسی - اجتماعی نظام اسلامی است. این رویکرد می‌تواند افق تازه‌ای برای بازاندیشی در نسبت میان عبادت، فرهنگ، جامعه و حکمرانی بگشاید و نشان دهد که چگونه یک فریضه عبادی می‌تواند در سطحی عمیق‌تر، به رکن پایداری تمدنی و اجتماعی یک نظام دینی تبدیل شود.

### مبانی نظری

تحلیل نقش اقامه نماز در تحقق نظام دینی مطلوب، تقویت تاب‌آوری اجتماعی و پایداری حیات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، بدون تبیین مبانی نظری حاکم بر این مفاهیم، تحلیلی ناقص و سطحی خواهد بود. در این چارچوب، «نماز» در اندیشه اسلامی صرفاً یک رفتار عبادی شخصی نیست، بلکه نهادی انسان‌ساز، جامعه‌پرداز و تمدن‌آفرین تلقی می‌شود. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نیز نماز از سطح یک فریضه فردی فراتر رفته و به مثابه یک سازوکار بنیادین برای تربیت انسان مؤمن، شکل‌گیری جامعه صالح و استحکام نظام اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، برای فهم نسبت میان نماز و پایداری اجتماعی و سیاسی، لازم است ابتدا جایگاه مفهومی نماز، نظام دینی مطلوب، تاب‌آوری اجتماعی و پایداری سیاسی - اجتماعی در یک چارچوب نظری منسجم مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۱. نماز به مثابه نهاد تربیتی و اجتماعی

در متون اسلامی، نماز دارای کارکردهایی چندلایه است که هم‌زمان ابعاد فردی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را در بر می‌گیرد. قرآن کریم نماز را عامل بازدارنده از فحشا و منکر معرفی می‌کند؛ این بیان نشان می‌دهد که نماز در منطق دینی صرفاً یک آیین نمادین نیست، بلکه ابزاری برای کنترل درونی، خودتنظیمی اخلاقی و اصلاح رفتار اجتماعی محسوب می‌شود. از این منظر، اقامه نماز به معنای صرف خواندن نماز نیست، بلکه به معنای استقرار فرهنگ نماز در حیات فردی و جمعی انسان است؛ فرهنگی که در آن، یاد خدا به تنظیم مناسبات انسانی، اجتماعی و نهادی منجر می‌شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه نیز در تبیین مفهوم اقامه نماز، بر این نکته تأکید می‌کند که نماز باید در متن زندگی فرد و جامعه حضور واقعی داشته باشد و به یک حقیقت زنده و اثرگذار بدل شود، نه صرفاً یک عمل شکلی و عادت‌گونه (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

از منظر جامعه‌شناختی نیز می‌توان نماز را نوعی نهاد تولیدکننده انسجام اجتماعی دانست. امیل دورکیم مناسک دینی را از مهم‌ترین عوامل بازتولید همبستگی اجتماعی می‌دانست و معتقد بود آیین‌های دینی از طریق ایجاد احساس تعلق مشترک، نظم اجتماعی را تحکیم می‌کنند (دورکیم، ۱۳۸۳). اگر این دیدگاه در بستر جامعه اسلامی بازخوانی شود، نماز جماعت و نماز جمعه را می‌توان از مهم‌ترین مناسک انسجام‌بخش در جامعه دینی دانست؛ مناسکی که با گردآوردن افراد حول محور ایمان، نوعی همدلی،



همجهتی و مشارکت اجتماعی ایجاد می‌کنند. از این حیث، نماز فقط رابطه عبد و معبود را تنظیم نمی‌کند، بلکه رابطه افراد با یکدیگر و با کل ساختار اجتماعی را نیز جهت می‌بخشد.

## ۲. نظام دینی مطلوب و جایگاه معنویت در آن

نظام دینی مطلوب، در ساده‌ترین تعریف، نظامی است که در آن ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و سیاست‌ها بر اساس مبانی الهی و اسلامی شکل می‌گیرند و هدف اصلی آن، هدایت انسان به سوی سعادت فردی و جمعی است. در این تلقی، مشروعیت سیاسی صرفاً ناشی از کارآمدی اداری یا رضایت عمومی نیست، بلکه با پیوند میان حقانیت الهی و مقبولیت اجتماعی معنا می‌یابد. چنین نظامی برای بقا و پویایی خود نیازمند عناصر نرم‌افزاری‌ای چون ایمان، اخلاق، معنویت، عدالت و مسئولیت‌پذیری است. در این چارچوب، نماز یکی از بنیادی‌ترین ابزارهای بازتولید این عناصر در سطح فرد و جامعه به شمار می‌رود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه در تبیین شاخص‌های جامعه و نظام اسلامی، بارها بر پیوند میان معنویت و عدالت، و نیز میان عبودیت و حکمرانی تأکید کرده‌اند. از منظر ایشان، هرگاه جامعه اسلامی از سرچشمه‌های معنوی خود فاصله بگیرد، در معرض فرسایش درونی، دنیاگرایی، فساد اداری و ضعف اجتماعی قرار خواهد گرفت (خامنه‌ای، ۱۳۸۹). در نتیجه، اقامه نماز در چنین نظامی تنها یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه بخشی از سازوکار حفظ هویت دینی و پایداری ساختاری جامعه اسلامی است. نظام دینی مطلوب، برای آنکه از صورت به معنا و از شعار به عمل برسد، باید شهروندانی تربیت کند که درونی‌سازی ارزش‌های الهی در آنان تحقق یافته باشد و نماز در این فرآیند، نقشی محوری ایفا می‌کند.

## ۳. تاب‌آوری اجتماعی و پیوند آن با دین‌داری

تاب‌آوری اجتماعی به توان جامعه در مواجهه با بحران‌ها، تهدیدها، تنش‌ها و تغییرات ناگهانی اطلاق می‌شود؛ به گونه‌ای که جامعه بتواند ضمن حفظ هویت و انسجام خود، از بحران عبور کرده و حتی به بازسازی و تقویت ظرفیت‌های خود بپردازد. در ادبیات جدید علوم اجتماعی، تاب‌آوری صرفاً یک ویژگی روان‌شناختی فردی نیست، بلکه یک ظرفیت جمعی و نهادی است که از طریق اعتماد اجتماعی، مشارکت، شبکه‌های حمایتی، هنجارهای مشترک و سرمایه فرهنگی شکل می‌گیرد (نورنئیس و همکاران، ۲۰۰۸). با این نگاه، هر عاملی که بتواند اعتماد، همبستگی، امید، معنا و مسئولیت‌پذیری را در جامعه تقویت کند، به ارتقای تاب‌آوری اجتماعی یاری می‌رساند.

دین و مناسک دینی از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری تاب‌آوری اجتماعی شناخته می‌شوند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که باورهای دینی از طریق تولید معنا در رنج، تقویت امید، ایجاد شبکه‌های حمایتی و پرورش خودمهارگری، می‌توانند ظرفیت افراد و جوامع را برای مقاومت در برابر بحران‌ها افزایش دهند (پاتنام، ۱۳۸۰). در جامعه اسلامی، نماز به عنوان مکررترین و منظم‌ترین کنش عبادی، سهمی ویژه در این فرآیند دارد.

نماز، انسان را از تنهایی وجودی خارج می‌کند، او را به منبعی متعالی از معنا متصل می‌سازد و در عین حال، در شکل جمعی آن، وی را درون یک شبکه اجتماعی ایمانی قرار می‌دهد. به همین دلیل، می‌توان گفت نماز نه تنها تاب‌آوری روانی فرد را تقویت می‌کند، بلکه در سطح کلان‌تر، به تولید تاب‌آوری اجتماعی منجر می‌شود.

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه، جامعه مؤمن و نمازگزار جامعه‌ای است که در برابر تهاجم فرهنگی، فشار سیاسی، مشکلات اقتصادی و تهدیدهای امنیتی، کمتر دچار فروپاشی روانی و ارزشی می‌شود. علت این امر آن است که نماز با احیای امید الهی، صبر فعال، احساس تکلیف و روحیه مجاهدت، ظرفیت مقاومت جامعه را بالا می‌برد. از این منظر، اقامه نماز را باید یکی از پایه‌های نرم امنیت اجتماعی و فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران تلقی کرد.

#### ۴. پایداری حیات سیاسی - اجتماعی و کارکرد تمدنی نماز

پایداری حیات سیاسی - اجتماعی به معنای استمرار، ثبات و بازتولید مشروع و مؤثر نظم سیاسی و روابط اجتماعی در طول زمان است. هر نظام سیاسی برای آنکه پایدار بماند، علاوه بر ابزارهای حقوقی و ساختاری، نیازمند پشتوانه‌های فرهنگی، ارزشی و هویتی است. اگر جامعه‌ای از حیث اخلاق عمومی، اعتماد متقابل، تعهد جمعی و معنای مشترک دچار ضعف شود، حتی در صورت برخورداری از ساختارهای رسمی، در معرض بحران مشروعیت و فرسایش اجتماعی قرار می‌گیرد. از این رو، پایداری سیاسی و اجتماعی، بیش از آنکه صرفاً به ابزار قدرت وابسته باشد، به ظرفیت‌های فرهنگی و معنوی جامعه وابسته است.

نماز در این میان دارای کارکردی تمدنی است. منظور از کارکرد تمدنی آن است که نماز تنها رفتار عبادی فردی نیست، بلکه در ساخت انسان، نظم‌بخشی به زمان، تقویت انضباط، پرورش مسئولیت‌پذیری، ایجاد همبستگی جمعی و حفظ جهت‌گیری الهی جامعه نقش دارد. این مؤلفه‌ها، همگی از عناصر ضروری برای بقای یک نظام سیاسی دینی هستند. آیت‌الله خامنه‌ای نماز را از ارکان مهندسی فرهنگی جامعه اسلامی می‌دانند و معتقدند هرچه ارتباط جامعه با نماز عمیق‌تر و آگاهانه‌تر باشد، امکان نفوذ فساد، سستی، بی‌هویتی و انحراف از آرمان‌های انقلاب کاهش می‌یابد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

در این چارچوب، نماز جمعه و نماز جماعت نیز صرفاً عبادت‌های گروهی نیستند، بلکه عرصه‌هایی برای تولید آگاهی جمعی، تقویت وحدت ملی و بازتولید سرمایه اجتماعی‌اند. این مناسک دینی می‌توانند پیوند میان مردم و ارزش‌های بنیادین نظام را تحکیم کنند و در شرایط بحران، جامعه را حول یک مرکز معنایی مشترک بسیج نمایند.

بنابراین، از منظر نظری می‌توان نتیجه گرفت که نماز در اندیشه اسلامی و به‌ویژه در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نه فقط یک فریضه عبادی، بلکه سازوکاری برای تقویت درونی جامعه، حفظ هویت سیاسی - دینی و تضمین پایداری حیات اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران است.

## ۵. جمع‌بندی مبانی نظری

بر پایه آنچه بیان شد، مبانی نظری این پژوهش بر این فرض استوار است که میان اقامه نماز، تحقق نظام دینی مطلوب، تاب‌آوری اجتماعی و پایداری سیاسی - اجتماعی، رابطه‌ای معنادار و چندبعدی وجود دارد. نماز در سطح فردی موجب خودسازی، در سطح اجتماعی موجب انسجام و در سطح سیاسی موجب تثبیت هویت و مشروعیت نظام می‌شود. به بیان دیگر، نماز در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای واجد نقشی فراتر از دینداری فردی است و باید آن را در زمره بنیان‌های نرم‌افزاری حکمرانی دینی و استمرار حیات جمهوری اسلامی ایران تحلیل کرد. بر این اساس، هرگونه تضعیف فرهنگ نماز را می‌توان تضعیف یکی از مهم‌ترین منابع تولید اخلاق اجتماعی، سرمایه معنوی و قدرت مقاومت جمعی در جامعه اسلامی دانست.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث هدف، در زمره مطالعات **\*\*بنیادی - کاربردی\*\*** قرار می‌گیرد؛ زیرا از یک‌سو در پی تبیین و تحلیل مفهومی نسبت میان اقامه نماز، نظام دینی مطلوب، تاب‌آوری اجتماعی و پایداری حیات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است و از سوی دیگر، می‌کوشد دلالت‌های کاربردی این تحلیل را برای حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی، تربیتی و اجتماعی آشکار سازد. از حیث ماهیت و شیوه اجرا نیز این مطالعه، **\*\*کیفی\*\*** و مبتنی بر **\*\*روش کتابخانه‌ای و اسنادی\*\*** است. انتخاب این روش از آن‌روست که موضوع پژوهش ناظر بر بازخوانی، تحلیل و استنباط از متون نظری، اسناد رسمی، آثار مکتوب، بیانات، سخنرانی‌ها و منابع علمی مرتبط با مفاهیم کلیدی پژوهش است و دست‌یابی به پاسخ پرسش‌های تحقیق، بیش از هر چیز مستلزم بررسی عمیق متون و تحلیل محتوای آنهاست.

در روش کتابخانه‌ای، پژوهشگر به جای گردآوری داده‌های میدانی، به جمع‌آوری داده‌ها از منابع مکتوب، دیجیتال و اسناد معتبر می‌پردازد. در این پژوهش، داده‌های اصلی از دو دسته منبع استخراج شده‌اند: نخست، **\*\*منابع اولیه\*\*** شامل بیانات، پیام‌ها، سخنرانی‌ها، آثار منتشرشده، مکتوبات و رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای درباره نماز، جامعه اسلامی، نظام دینی، مقاومت، هویت دینی و پایداری اجتماعی - سیاسی؛ و دوم، **\*\*منابع ثانویه\*\*** شامل کتاب‌ها، مقالات علمی - پژوهشی، پایان‌نامه‌ها، اسناد تحلیلی و پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه فلسفه و کارکرد نماز، سرمایه اجتماعی دینی، تاب‌آوری اجتماعی، مشروعیت سیاسی، پایداری نظام‌های ارزشی و نقش دین در انسجام اجتماعی.

این تفکیک به پژوهش امکان می‌دهد که از یک سو به متن اصلی اندیشه مورد مطالعه وفادار بماند و از سوی دیگر، با بهره‌گیری از ادبیات نظری و تحلیلی گسترده‌تر، یافته‌ها را در بستری علمی و بین‌رشته‌ای صورت‌بندی کند.

فرایند گردآوری داده‌ها به صورت مرحله‌ای و نظام‌مند انجام شده است. در گام نخست، کلیدواژه‌های اصلی و فرعی پژوهش تعیین شدند. از جمله مهم‌ترین این کلیدواژه‌ها می‌توان به «اقامه نماز»، «نماز و نظام اسلامی»، «نماز و جامعه‌سازی»، «نماز و تاب‌آوری اجتماعی»، «نماز و سرمایه اجتماعی»، «پایداری سیاسی - اجتماعی»، «اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه»، «نظام دینی



مطلوب»، «معنویت و حکمرانی»، «مقاومت اجتماعی» و «هویت دینی» اشاره کرد. این کلیدواژه ها به صورت منفرد و ترکیبی در پایگاه های علمی و اطلاعاتی جست و جو شدند تا امکان دستیابی به منابع متنوع و مرتبط فراهم شود. پس از جست و جوی اولیه، منابع به دست آمده بر اساس میزان ارتباط مفهومی، اعتبار علمی، تازگی و قابلیت استناد دسته بندی شدند.

برای گردآوری منابع فارسی، از پایگاه های معتبر داخلی مانند \*\*نورمگز، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، مگیران، سیویلیکا، پرتال جامع علوم انسانی، کتابخانه دیجیتال سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران\*\* و همچنین پایگاه های مرتبط با آثار و بیانات رسمی آیت الله خامنه ای استفاده شد. این پایگاه ها از آن جهت اهمیت دارند که بخش مهمی از ادبیات علمی بومی، مقالات دانشگاهی، پژوهش های حوزه و دانشگاه و تحلیل های نظری مرتبط با دین، جامعه و نظام سیاسی در آنها قابل دسترسی است. در کنار این منابع، برای بازیابی اسناد رسمی و بیانات مستقیم، مراجعه به وبگاه های معتبر مرتبط با نشر آثار و سخنرانی های آیت الله خامنه ای نیز ضروری بوده است؛ زیرا در پژوهشی که بر «اندیشه» یک شخصیت تمرکز دارد، اتکا به منابع مستقیم و اصیل از اهمیت روشی بالایی برخوردار است.

در بخش منابع خارجی نیز به منظور تکمیل چارچوب نظری و بهره گیری از ادبیات بین المللی، از پایگاه های معتبری چون \*\*گوگل اسکالر، ساینس دایرکت، اسپرینگر، پروکوئست، اسکوپوس، وب او ساینس و اریک\*\* استفاده شده است. در این پایگاه ها، مقالات و کتاب هایی در زمینه کارکرد اجتماعی دین، تاب آوری اجتماعی، سرمایه اجتماعی، جامعه شناسی مناسک، پایداری سیاسی و نقش معنویت در ثبات اجتماعی بررسی شد. هرچند محور اصلی پژوهش، اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای رضوان الله تعالی علیه و بافت جمهوری اسلامی ایران است، اما استفاده از این منابع خارجی امکان مقایسه مفهومی، غنی سازی تحلیل و ارتقای اعتبار نظری پژوهش را فراهم می سازد. همچنین این امر باعث می شود که یافته های پژوهش صرفاً در سطح توصیف درون گفتگمانی باقی نماند، بلکه در پرتو نظریه های عمومی علوم اجتماعی نیز فهم پذیر شود.

پس از مرحله گردآوری، فرایند \*\*پالایش منابع\*\* انجام گرفت. در این مرحله، منابع بر اساس چند معیار مورد ارزیابی قرار گرفتند: نخست، \*\*اعتبار علمی منبع\*\*؛ به این معنا که مقاله یا کتاب باید از سوی ناشر معتبر، نشریه علمی شناخته شده یا پایگاه اطلاعاتی رسمی منتشر شده باشد. دوم، \*\*ارتباط موضوعی\*\*؛ یعنی منبع باید به طور مستقیم یا غیرمستقیم با یکی از مؤلفه های اصلی پژوهش مرتبط باشد. سوم، \*\*اصالت و استنادپذیری\*\*؛ بدین معنا که منابع اولیه، به ویژه در مورد بیانات و دیدگاه های آیت الله خامنه ای، بر منابع نقل قولی یا غیررسمی ترجیح داده شدند. چهارم، \*\*روزآمدی نسبی\*\*؛ به ویژه در مورد مطالعات مرتبط با تاب آوری اجتماعی، سرمایه اجتماعی و تحلیل های نوین علوم اجتماعی، منابع جدیدتر در اولویت قرار گرفتند، هرچند در موارد لازم از آثار کلاسیک و بنیانی نیز استفاده شد. پنجم، \*\*دسترسی پذیری و قابلیت بازیابی آنلاین\*\*؛ زیرا یکی از معیارهای این پژوهش، استفاده از منابع معتبر و قابل دسترس برای پژوهشگران دیگر است.

در مرحله تحلیل داده ها، از \*\*روش تحلیل محتوای کیفی\*\* و \*\*تحلیل مضمون\*\* استفاده شده است. به این معنا که متون گردآوری شده ابتدا به دقت مطالعه شدند و سپس گزاره ها، مفاهیم و مضامین کلیدی



مرتبط با پرسش پژوهش از آنها استخراج شد. برای مثال، در بررسی بیانات آیت الله خامنه‌ای، مضامینی مانند «نماز به مثابه ستون دین»، «نماز و جامعه‌سازی»، «نماز و مصون‌سازی فرهنگی»، «نماز و مقاومت»، «نماز و خودسازی»، «نماز و هویت جمعی» و «نماز و استحکام نظام اسلامی» شناسایی شد. سپس این مضامین در سطوح مختلف دسته‌بندی گردیدند و رابطه میان آنها مورد تحلیل قرار گرفت. در ادامه، این مضامین با مفاهیم نظری موجود در ادبیات پژوهش، مانند تاب‌آوری اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مشروعیت سیاسی، انسجام فرهنگی و پایداری نظام‌های ارزشی تطبیق داده شدند تا مدلی تحلیلی از نقش اقامه نماز در پایداری جامعه و نظام سیاسی به دست آید.

برای افزایش اعتبار و روایی پژوهش\*\*، تلاش شده است از راهبرد «مثلث‌سازی منابع» استفاده شود. بدین معنا که یافته‌ها فقط بر اساس یک نوع منبع یا یک نویسنده استوار نباشند، بلکه از تقاطع منابع اولیه، مقالات علمی داخلی، پژوهش‌های خارجی و آثار نظری معتبر حاصل شوند. همچنین در تحلیل دیدگاه‌ها، صرفاً به توصیف اکتفا نشده، بلکه تلاش شده است با نگاه انتقادی و مقایسه‌ای، نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌ها نیز روشن شود. این امر موجب می‌شود که نتیجه‌گیری نهایی از پشته‌توانه تحلیلی قوی‌تری برخوردار باشد و از تقلیل موضوع به گزاره‌های کلی و تکراری جلوگیری شود.

در مجموع، روش تحقیق این پژوهش بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی، جست‌وجوی نظام‌مند در پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی، پالایش هدفمند منابع و تحلیل کیفی مضامین استوار است. این روش با توجه به ماهیت نظری - تحلیلی موضوع، مناسب‌ترین شیوه برای فهم عمیق اندیشه آیت الله خامنه‌ای درباره نماز و تبیین نسبت آن با تحقق نظام دینی مطلوب، تاب‌آوری اجتماعی و پایداری حیات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

### یافته‌های مروری

یافته‌های مروری این پژوهش بر پایه تحلیل اسناد، مرور نظام‌مند ادبیات علمی داخلی و خارجی، و بررسی منسجم بیانات و حضرت آیت الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه سامان یافته است. در این بخش، تلاش می‌شود نتایج به‌دست‌آمده از منابع مختلف، در قالب محورهای موضوعی و با رویکردی تحلیلی ارائه شوند. یافته‌ها نشان می‌دهند که «اقامه نماز» در اندیشه اسلامی و به‌ویژه در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای، واجد ظرفیت‌های چندلایه‌ای است که هم در سطح فردی و تربیتی، هم در سطح اجتماعی و هویتی، و هم در سطح سیاسی و تمدنی می‌تواند نقش‌آفرین باشد. این یافته‌ها، رابطه میان اقامه نماز با تحقق نظام دینی مطلوب، تقویت تاب‌آوری اجتماعی و پایداری حیات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را به‌صورت معنادار روشن می‌سازند.

### ۱. نماز به‌مثابه عامل خودسازی و تربیت شهروند مؤمن و پایدار

بخش مهمی از یافته‌های برگرفته از منابع اسلامی، روان‌شناختی و تربیتی نشان می‌دهد که نماز در سطح فردی، ابزاری قدرتمند برای تقویت آرامش، امید، خودمهارگری، صبر، معناجویی و احساس مسئولیت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱). از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه نیز تربیت انسان مؤمن،



منضبط و مسئول، نقطه آغاز تحقق نظام دینی مطلوب است. ایشان بارها تأکید کرده‌اند که نماز، انسان را در برابر وسوسه‌های اخلاقی، بی‌هدفی، یأس، سستی و بی‌تفاوتی مصون می‌سازد و این ویژگی‌ها برای پایداری اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی ضروری‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰). یافته‌ها نشان می‌دهند که اقامه نماز با ایجاد نظم درونی، تقویت اراده، کنترل رفتارهای پرخطر، کاهش اضطراب و انرژی مثبت معنوی، می‌تواند زمینه‌ساز تقویت «تاب‌آوری فردی» باشد که مقدمه تاب‌آوری اجتماعی محسوب می‌شود.

مطالعات روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز تأیید می‌کنند که معناجویی، کنش‌های معنوی منظم و ایمان‌محور، یکی از مؤثرترین عوامل در مقاومت انسان در برابر بحران‌های زندگی است (فرانکل، ۱۳۸۳). در این چارچوب، نماز به مثابه نظام معنابخش، به افراد امکان می‌دهد که بحران‌ها را در بستر بزرگ‌تری از حکمت الهی معنا کرده و دچار فروپاشی روانی نشوند. این یافته، پیوندی مستقیم با تاب‌آوری اجتماعی دارد، زیرا جامعه‌ای از افراد پایدار و متعادل تشکیل می‌شود، قدرت بیشتری برای مواجهه با بحران‌های گسترده خواهد داشت.

## ۲. نماز و تولید همبستگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی و احساس تعلق جمعی

یافته‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین کارکردهای مناسک دینی، ایجاد همبستگی، ارتباطات چهره‌به‌چهره، اعتماد اجتماعی و هویت مشترک است (دورکیم، ۱۳۸۳). نماز جماعت، نماز جمعه و حضور در مسجد، از جمله بسترهای اصلی تولید سرمایه اجتماعی در جامعه دینی‌اند. این مناسک، افراد را در فضای مشترک معنوی گرد هم می‌آورند، شبکه‌های ارتباطی را گسترش می‌دهند و نوعی «اخلاق مشارکتی» مبتنی بر ایمان و مسئولیت ایجاد می‌کنند (پاتنام، ۱۳۸۰).

بخش عمده‌ای از یافته‌های برگرفته از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نیز تأکید می‌کند که نماز جماعت و نماز جمعه باید پایگاه‌های همبستگی، آگاهی‌بخشی، جهت‌دهی اجتماعی و تقویت روحیه جمعی جامعه باشند. ایشان بارها بر نقش مسجد به عنوان «پایگاه جامعه‌سازی» و نماز جمعه به عنوان «مرکز هدایت اجتماعی و سیاسی» تأکید کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹). از این منظر، نماز فراتر از عبادت، یک فرآیند اجتماعی سازمان‌دهنده است که می‌تواند انسجام فرهنگی، مشارکت اجتماعی و پیوند مردم با ارزش‌های الهی را تقویت کند.

یافته‌ها نشان می‌دهند که در دوره‌های بحران، مناسک دینی جمعی توانسته‌اند احساس تعلق اجتماعی و امید جمعی را افزایش دهند. نمونه‌های متعدد از رفتارهای اجتماعی در ایران – از حضور گسترده مردم در مناسک جمعی تا تعاملات اجتماعی مساجد – نشان می‌دهد که نماز و نهادهای مرتبط با آن، ظرفیت ایجاد «تاب‌آوری اجتماعی» در سطح جامعه را دارند؛ زیرا شبکه‌های حمایت اجتماعی را فعال کرده و شکل‌گیری رفتارهای مثبت جمعی را آسان می‌سازند.

## ۳. نماز به عنوان سازوکار تقویت اخلاق عمومی، نظم اجتماعی و مسئولیت‌پذیری

یافته‌های مروری در حوزه اخلاق اجتماعی و نظریه‌های نظم اجتماعی نشان می‌دهد که جوامعی که از هنجارهای اخلاقی مشترک و پایدار برخوردارند، ظرفیت بیشتری برای مواجهه با بحران‌ها دارند.



(فوکویاما، ۱۳۸۵). در جامعه اسلامی، نماز یکی از مهم‌ترین سازوکارها برای تربیت اخلاقی، نظم‌پذیری و مسئولیت‌پذیری است. نماز با ایجاد نظم زمانی (اقامه در اوقات مشخص)، تقویت انضباط، ایجاد تعهد معنوی و تقویت احساس تکلیف، به بازتولید هنجارهای اخلاقی و رفتاری کمک می‌کند. این ویژگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای نیز بارها مورد اشاره قرار گرفته و ایشان نماز را «مربی بزرگ اخلاق، رفتار و جهت‌گیری اجتماعی» معرفی کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

با استناد به یافته‌ها، نماز در دو سطح بر نظم اجتماعی اثرگذار است: نخست، در سطح فردی، افراد نمازگزار از خودمهارگری بیشتر، رفتارهای آسیب‌زا کمتر و مسئولیت‌پذیری بالاتر برخوردارند. دوم، در سطح جمعی، نماز جماعت و مسجد به عنوان نهادهای اجتماعی، نظم رفتاری، هماهنگی اجتماعی و فرهنگ مشارکت را تقویت می‌کنند. این امر موجب افزایش تاب‌آوری اجتماعی و کاهش آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی می‌شود.

#### ۴. اقامه نماز و پایداری سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، نقش نماز در استحکام مبانی مشروعیت و پایداری نظام سیاسی است. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مشروعیت نظام اسلامی صرفاً به سازوکارهای حقوقی یا عملکرد اجرایی وابسته نیست، بلکه بیش از آن به «پیوند معنوی و ایمانی مردم با ارزش‌های الهی» وابسته است. نماز، مهم‌ترین کنش دینی روزانه مردم است که این پیوند را به صورت مستمر حفظ و بازتولید می‌کند. ایشان بارها تأکید کرده‌اند که جامعه‌ای نمازگزار، جامعه‌ای مقاوم، امیدوار، دارای اعتمادبه‌نفس و دور از انحرافات سیاسی و اخلاقی خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

یافته‌های تحلیل اسناد نشان می‌دهد که اقامه نماز می‌تواند سه نقش اساسی در پایداری سیاسی داشته باشد:

- تقویت مشروعیت فرهنگی - ایمانی نظام: نماز به بازتولید هویت اسلامی جامعه و پیوند مردم با ارزش‌های انقلاب کمک می‌کند. این پیوند، یکی از پایه‌های مشروعیت نظام است.
  - کاهش آسیب‌پذیری در برابر جنگ نرم: نماز از طریق تقویت اخلاق، معنویت و خودمهارگری، جامعه را در برابر نفوذ فرهنگی و رسانه‌ای دشمنان مقاوم می‌سازد.
  - تقویت مشارکت اجتماعی و سیاسی: نماز جماعت و جمعه، فضاهایی برای گفت‌وگو، تبادل نظر و مشارکت اجتماعی هستند که نهایتاً می‌توانند زمینه‌ساز مشارکت آگاهانه سیاسی شوند.
- این یافته‌ها نشان می‌دهند که اقامه نماز، به‌ویژه در قالب نهادهای جمعی چون مسجد و نماز جمعه، نقشی محوری در حفظ «گفتمان انقلاب اسلامی» و جلوگیری از فرسایش فرهنگی دارد.

#### ۵. نماز به عنوان عنصر تمدن‌ساز در جامعه دینی

گردآوری یافته‌ها از منابع اسلامی، پژوهش‌های اجتماعی و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که نماز در سطحی عمیق‌تر، کارکردی تمدنی دارد. نماز با بازسازی مستمر معنویت، اخلاق و هویت جمعی،



یکی از پایه های نرم تمدن نوین اسلامی به شمار می رود. آیت الله خامنه ای در تحلیل نسبت میان معنویت و تمدن، نماز را «روح تمدن اسلامی» معرفی می کنند (خامنه ای، ۱۳۹۴). یافته ها تأیید می کنند که بدون تعمیق معنویت در جامعه، هرگونه تلاش برای ایجاد تمدن اسلامی به سرعت در معرض فروپاشی هویتی قرار می گیرد.

یافته ها نشان می دهند که نماز در چهار سطح تمدنی اثرگذار است:

- تربیت نسل مؤمن و مسئول
- ایجاد هنجارهای اخلاقی مشترک
- تقویت شبکه های اجتماعی مبتنی بر ایمان
- بازسازی مشروعیت و پایداری ساختار سیاسی

این اثرات نشان می دهند که نماز نه یک رفتار عبادی محدود، بلکه حلقه پیوند میان فرد، جامعه و نظام سیاسی است و نقش مستقیم در پایداری جمهوری اسلامی دارد.

### بحث و نتیجه گیری

تحلیل نسبت میان اقامه نماز، تحقق نظام دینی مطلوب، تقویت تابآوری اجتماعی و پایداری حیات سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه شهیدزنده و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای، پنجره ای نو به روی فهم پیوندهای وثیق میان «معنویت» و «حکمرانی» می گشاید. در بستر علوم اجتماعی معاصر، پایداری سیاسی و تابآوری اجتماعی معمولاً از مجرای متغیرهای مادی نظیر کارآمدی اقتصادی، شاخص های رفاه، سرمایه اجتماعی سکولار و ساختارهای سرکوب یا مدیریت سخت بحران ارزیابی می شوند (نورئیس و همکاران، ۲۰۰۸). با این حال، یافته های این پژوهش نشان داد که در منظومه فکری آیت الله خامنه ای، یک متغیر بنیادین و ماورایی به نام «ارتباط با خدا» که در قالب مناسک روزمره و مستمر «نماز» تجلی می یابد، به عنوان موتور محرک و ضامن پایداری کل سیستم عمل می کند. این نگاه، نظریه های کلاسیک جامعه شناسی دین که دین را صرفاً عنصری ثبات بخش از جنس هنجارپذیری انفعالی می دانند (دورکیم، ۱۳۸۳)، به چالش کشیده و کارکردی پویا، مقاومت آفرین و فعال برای دینداری مناسکی ترسیم می کند.

در تبیین انتقادی یافته ها، می توان استدلال کرد که «اقامه نماز» فراتر از یک وظیفه شرعی شخصی، یک «فناوری اجتماعی-تربیتی» در دستان نظام اسلامی برای بازتولید شهروندانی مقاوم است. بر اساس بیانات آیت الله خامنه ای، نماز مانع از آن می شود که جامعه تحت فشارهای سنگین اقتصادی و تهدیدات امنیتی، به ورطه ناامیدی و فروپاشی روانی سقوط کند (خامنه ای، ۱۳۹۰). در بستر جامعه شناسی سیاسی ایران، این امر تبیین کننده این واقعیت است که چرا جامعه با وجود تحمل تکان های سخت اقتصادی و تحریم های همه جانبه، پایداری ساختاری خود را حفظ کرده است. پاسخ را باید در تولید مستمر «معنا و امید» از طریق نهاد معنوی نماز جست و جو کرد. نمازگزار با تکرار روزانه عباراتی چون «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، عملاً وابستگی ذهنی و روانی خود را از قدرت های مادی قطع کرده و به قدرت لایزال الهی پیوند می زند. این پیوند، تابآوری فردی را ارتقا داده و سرریز آن به سطح کلان، جامعه را در برابر نوسانات بیرونی مصون می سازد.



از منظر پیوند نظری و کاربردی، نماز حلقه واسط میان «خودسازی» و «تمدن سازی» است. اگر نظام دینی مطلوب را ساختاری فرض کنیم که در آن ارزش های الهی جریان دارند، نماز کانال انتقال این ارزش ها به بدنه جامعه است. بدون نماز، قوانین اسلامی صرفاً پوسته ای بی روح خواهند بود که شانس درونی سازی آنها توسط شهروندان بسیار اندک است. از این رو، پایداری سیاسی نظام با عمق و کیفیت اقامه نماز رابطه مستقیم دارد. نمازهای جمعه و جماعت به عنوان تربیون های آگاهی بخشی و همبستگی، سرمایه اجتماعی متراکمی ایجاد می کنند که در مواقع بحران، به عنوان ضربه گیر عمل کرده و جامعه را حول محور حاکمیت دینی منسجم نگاه می دارد (خامنه ای، ۱۳۹۴). تضعیف فرهنگ نماز یا تقلیل آن به یک امر کلیشه ای و اداری، عملاً به معنای فرسایش این سرمایه اجتماعی دینی و کاهش قدرت مقاومت ملی در برابر جنگ شناختی و نفوذ فرهنگی دشمن است.

با توجه به تحلیل های ارائه شده، پیشنهاد های علمی و اجرایی زیر به منظور تقویت نقش اقامه نماز در تحقق نظام دینی مطلوب و افزایش تاب آوری جامعه ارائه می گردد:

پیشنهاد های علمی و پژوهشی:

۱. انجام پژوهش های تجربی و سنجش های دوره ای: پیشنهاد می شود پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی به سنجش رابطه میان شاخص های کیفیت اقامه نماز (مانند حضور در مساجد و نماز جمعه) با میزان تاب آوری روانی و اجتماعی در میان نسل های جدید بپردازند تا مدل های نظری ارائه شده در این پژوهش با داده های میدانی تقویت شوند.
۲. تدوین الگوی جامعه شناختی مسجد محوری: طراحی و تدوین الگوهای نظری و بومی برای بازتعریف کارکردهای مسجد در عصر فضای مجازی، به گونه ای که مسجد به عنوان کانون تولید سرمایه اجتماعی و حل مسائل محلی تثبیت شود.

پیشنهاد های اجرایی و کاربردی:

۱. زدودن رویکردهای کلیشه ای و بوروکراتیک: نهادهای متولی ترویج نماز (نظیر ستاد اقامه نماز، آموزش و پرورش و صداوسیما) باید از برنامه های صوری و بخشنامه ای دست کشیده و به سمت معرفی کارکردهای روان شناختی، آرامش بخشی و هویت ساز نماز برای نسل جوان حرکت کنند.
۲. پیوند نماز با حل مسائل اجتماعی در مساجد: ائمه جماعات و متولیان مساجد باید کانون های اقامه نماز را به مراکز حل مشکلات معیشتی، کارآفرینی، مشاوره های خانوادگی و همدلی اجتماعی تبدیل کنند تا پیوند نماز و گره گشایی از زندگی مردم به صورت ملموس تجربه شود.
۳. تقویت کارکرد رسانه ای و تبیینی نماز جمعه: تربیون های نماز جمعه به عنوان کانون های هدایت سیاسی و اجتماعی، باید بیش از پیش به بازتاب دغدغه های واقعی مردم، برقراری عدالت و تبیین واقع بینانه مسائل روز بپردازند تا کارکرد انسجام بخش و اعتماد آفرین خود را در بالاترین سطح حفظ کنند.



در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، نماز کلید واژه عبور از بحران‌ها و تثبیت پایداری حیات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است. اقامه واقعی نماز، جامعه را به تراز نظام دینی مطلوب نزدیک کرده و با تزریق مداوم اخلاق، عدالت‌خواهی، مقاومت و همبستگی، پایداری نظام را در برابر تندبادهای سخت و نرم دوران معاصر تضمین می‌نماید.

## منابع

- ابراهیمی، احمد. (۱۳۹۵). \*نقش عبادات در سلامت روان و انسجام اجتماعی\*. تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پاتنام، رابرت. (ترجمه غلامعباس توسلی). (۱۳۸۰). \*بولینگ به‌تنهایی: فروپاشی و احیای جامعه مدنی آمریکا\*. تهران: نشر نی.
- دورکیم، امیل. (ترجمه باقر پارسانیا). (۱۳۸۳). \*صور بنیانی حیات دینی\*. تهران: سمت.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۹۲). \*اسرار و معارف نماز\*. قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- ستاد اقامه نماز. (۱۴۰۱). \*مجموعه مقالات و اسناد ترویج فرهنگ نماز در جمهوری اسلامی ایران\*. تهران: ستاد اقامه نماز.
- شفیعی سروستانی، اسماعیل. (۱۳۹۴). «کارکرد اجتماعی نماز و مسجد در جامعه اسلامی». \*فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی\*، ۱۰(۲)، ۷۲-۴۵.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). \*تفسیر المیزان\*، جلد ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فرانکل، ویکتور. (ترجمه نهضت صالحیان و مهین میلانی). (۱۳۸۳). \*انسان در جست‌وجوی معنا\*. تهران: نشر درسا.
- فوکویاما، فرانسیس. (ترجمه غلامعباس توسلی). (۱۳۸۵). \*اعتماد: فضیلت‌های اجتماعی و خلق رفاه\*. تهران: نشر شیرازه.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹). \*پیام‌ها و بیانات مرتبط با نماز جمعه و مسجد\*. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰). \*نماز؛ منشور تعالی انسان و جامعه\*. تهران: ستاد اقامه نماز.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۴). \*نقش معنویت و عبادت در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی\*. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.



- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). \*اخلاق در قرآن\*، جلد ۲. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

- مهدوی کنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). \*نماز و آثار تربیتی و اجتماعی آن\*. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). \*لسان العرب\*. بیروت: دارصادر.

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). \*اسرار الصلاة\*. قم: نشر اسراء.

- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). \*وسائل الشیعه\*. قم: مؤسسة آل البيت(ع).

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). \*المفردات فی غریب القرآن\*. دمشق: دارالقلم.

- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). \*مجمع البیان فی تفسیر القرآن\*. تهران: ناصرخسرو.

- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). \*الکافی\*. تهران: دارالکتب الإسلامية.

- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). \*بحار الانوار\*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- Durkheim, Emile. (1912/2001). \*The Elementary Forms of Religious Life\*. Oxford: Oxford University Press

- Frankl, Viktor E. (1963). \*Man's Search for Meaning\*. Boston: Beacon Press

- Fukuyama, Francis. (1995). \*Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity\*. New York: Free Press

- Norris, Pippa., Inglehart, Ronald. (2004). \*Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide\*. Cambridge: Cambridge University Press

- Putnam, Robert D. (2000). \*Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community\*. New York: Simon & Schuster